

توسل

مؤلف: علی اصغر رضوانی

این کتاب توسط مؤسسه فرهنگی - اسلامی شبکه الامامین الحسنین علیهم السلام بصورت الکترونیکی برای مخاطبین گرامی منتشر شده است.

لازم به ذکر است تصحیح اشتباهات تاییبی احتمالی، روی این کتاب انجام نگردیده است.

فهرست مطالب

۲	فهرست مطالب
۵	مقدمه ناشر
۷	توسل
۷	توسل
۷	تعریف توسل
۷	توسل در لغت
۷	توسل در اصطلاح
۷	فتوای و هابیان
۸	فلسفه توسل
۱۰	توسل از دیدگاه قرآن
۱۴	عالم مظهر خداست
۱۵	ولی کامل، وجه خدا
۱۵	تأثیر دعای پیامبر ﷺ
۱۶	انواع توسل
۱۷	موارد اتفاق بر جواز
۱۷	۱- توسل به خدا، به ذات و اسماء و صفاتش
۱۷	۲- توسل به طاعت و ایمان
۱۸	۳- توسل به قرآن کریم
۱۸	۴- توسل به پیامبر ﷺ در روز قیامت
۱۹	۵- توسل به آثار پیامبر ﷺ در زمان حیات
۱۹	۶- توسل به دعای پیامبر ﷺ در حال حیات
۲۰	۷- توسل به ذات پیامبر ﷺ قبل از آمدن به دنیا

۲۰	۸ - توسل به انبیا و اولیا در حیاتشان
۲۱	موارد اتفاق بر عدم جواز
۲۱	موارد اختلاف
۲۱	۱ - توسل به جاه پیامبر ﷺ در حیات برزخی
۲۲	دلیل جواز و رجحان
۲۵	دیدگاه علمای اهل سنت
۲۷	۲ - توسل به دعای پیامبر ﷺ در حیات برزخی
۲۸	دلیل جواز و رجحان
۲۹	منع از توسل، از بدعت های امویان
۲۹	۳ - توسل و تبرک به آثار پیامبر ﷺ در حیات برزخی
۳۰	کلمات اهل سنت درباره توسل
۳۲	پاسخ به شبهات
۳۲	۱ - اسمای الهی، تنها وسیله
۳۳	پاسخ
۳۴	۲ - تنها وسیله، طاعات و اعمال صالح
۳۴	پاسخ
۳۵	۳ - ابراهیم و ردّ وسیله
۳۵	پاسخ
۳۵	دو نوع وسیله
۳۸	اشاره به توسل در شعائر دینی
۴۲	خلقت از طریق وسائط
۴۲	۱ - گرفتن جان
۴۳	۲ - واسطه در روزی رساندن
۴۵	فهرست منشورات مسجد مقدّس جمکران
۵۲	سلسله کتاب های پیرامون وهابیت

پی نوشت ها..... ۵۳

مقدمه ناشر

ترویج فرهنگ ناب محمدی و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در طول تاریخ دچار کج اندیشی ها و نابخردی هایی بوده است که نمونه بارز آن را در اندیشه وهابیت و سلفی گری می توان نظارگر بود. تفکری که همه مسلمانان جهان را از دین اسلام خارج و فقط خود را مسلمان می دانند. عده ای اندک که با کج اندیشی، مسلمانان جهان و دیگر ادیان را دچار مشکل کرده و چهره ای خشن و کریه از دین رحمت ارائه نموده اند. معمار این اندیشه ابن تیمیه از مخالفان فرزندان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می باشد که تفکر او از قرن هفتم تا قرن سیزدهم به فراموشی سپرده شده و مورد مخالفت اندیشمندان مذاهب اسلامی قرار گرفت ولی کمتر از یک قرن است که این تفکر انحرافی دوباره در جامعه اسلامی توسط افرادی معلوم الحال مطرح می گردد. جا دارد متفکرین اسلامی، جریان های فکری منحرف را به مسلمانان جهان معرفی کرده و محور وحدت اسلامی که همان اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم است را تبیین نمایند، محوری که براساس محبت و پیروی از اهل بیت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم استوار است و از فحاشی و ضرب و شتم و ترور و بمب گذاری به دور است و هیچ سنخیتی با آن ندارد. گفت و گو در محافل علمی و معرفی اندیشه ناب، نیاز به آن حرکات انحرافی ندارد، و چنانچه آنان در گفتار صادقند، میدان علم و اندیشه مهیا است.

تهاجم استکبار جهانی و صهیونیست ها به تفکر اصیل اسلامی از زمانی آغاز و سرعت گرفت که انقلاب شکوه مند اسلامی به رهبری امام خمینی رحمته الله در کشور اسلامی ایران به ثمر نشست و توسط رهبر بزرگوار انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه ای دام ظلّه هدایت گردید.

از کلیه عزیزانی که ما را در نشر معارف اهل بیت علیهم السلام یاری می نمایند به ویژه تولیت محترم مسجد مقدّس جمکران حضرت آیت الله وافی و همکاران در مجموعه انتشارات و مؤلف محترم جناب استاد علی اصغر رضوانی کمال تشکر و قدردانی را داریم امید است مورد رضای حضرت حق قرار گیرد. ان شاء الله.

مدیر مسؤول انتشارات مسجد مقدّس جمکران حسین احمدی

توسل

توسل

یکی دیگر از موارد اختلاف بین وهابیان و سایر مسلمین، توسل به اولیای الهی یا به تعبیری، وسیله قرار دادن آنان نزد خداوند متعال است. وهابیان آن را جایز نمی دانند، اما عموم مسلمین نه تنها آن را جایز می شمارند، بلکه در طول تاریخ به آن عمل کرده اند. توسل انواع و اقسامی دارد که نزد عموم مسلمین برخی از آن ها صحیح و بعضی باطل و دسته ای دیگر مورد اختلاف هست؛ به همین دلیل هر کدام را با حکم آن ها بیان می نماییم.

تعریف توسل

توسل در لغت

خلیل بن احمد می گوید: «توسل از وسلت الی ربی وسیلة است؛ یعنی انجام دادم عملی را تا به سبب آن به سوی خدا نزدیک شوم...».^(۱)

ابن منظور افریقی می نویسد: «وسیله چیزی است که انسان به سبب آن به مقصود خود رهنمون می شود».^(۲)

توسل در اصطلاح

مقصود از توسل آن است که بنده چیزی یا شخصی را نزد خداوند واسطه قرار دهد تا او وسیله قربش به خدا گردد.^(۳)

فتوا های وهابیان

۱ - شیخ عبدالعزیز بن باز مفتی سابق حجاز می گوید: «توسل به جاه، و برکت یا حق کسی بدعت است، ولی شرک نیست؛ از همین رو هر گاه کسی

بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَاهِ أَنْبِيَائِكَ أَوْ بِجَاهِ وَلِيِّكَ فَلَانَ أَوْ بِعَبْدِكَ فَلَانَ أَوْ بِحَقِّ فَلَانَ أَوْ بِبُرْكَةِ فَلَانَ» جایز نیست، بلکه بدعت و شرک آلود است». (۴)

۲ - شیخ صالح بن فوزان می گوید: «هر کس به خالق و رازق بودن خداوند ایمان آورد، ولی در عبادت واسطه هایی بین خود و خداوند قرار دهد، در دین خدا بدعت گذارده است... و اگر به وسائط متوسل شود (به جهت جاه و مقام آنان) بدون آن که آنان را عبادت کند، این بدعت حرام و وسیله ای از وسایل شرک است...». (۵)

۳ - گروه فتوای وهابیان، در جواب سؤالی از توسل می گویند: «توسل به ذات پیامبر ﷺ و غیر او (از انبیا و صالحان) جایز نیست. همچنین توسل به جاه پیامبر ﷺ و غیر او حرام است؛ زیرا این عمل بدعت است و از پیامبر ﷺ یا صحابه حکمی در این مورد نرسیده است...». (۶)

۴ - ناصرالدین البانی می گوید: «من معتقدم: کسانی که به اولیا و صالحان و... توسل می کنند از راه حق گمراهند...». (۷)

فلسفه توسل

توسل، وسیله و واسطه قرار دادن چیزی بین خود و مطلوب است. وسیله بر دو قسم است: گاهی از امور مادی است؛ مثل آب و غذا که وسیله رفع تشنگی و گرسنگی است. و زمانی نیز از امور معنوی است؛ مثل گناه کاری که خدا را به مقام و جاه یا حقیقت پیامبر ﷺ قسم می دهد تا از گناهِش بگذرد. در هر دو صورت وسیله لازم است؛ زیرا خداوند متعال جهان آفرینش را به بهترین صورت آفریده است؛ آنجا که می فرماید: ﴿الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ﴾؛ (۸)
«آن خدایی که همه چیز را به بهترین صورت آفریده است.»

جهان براساس نظام علت و معلولی و اسباب و مسببات، برای هدایت و رشد و تکامل انسان ها آفریده شده است و نیازمندی های طبیعی بشر با عوامل و اسباب عادی برآورده می گردد. فیوضات معنوی خداوند، همچون هدایت، مغفرت و آمرزش نیز بر اساس نظامی خاص بر انسان ها نازل می شود و اراده حکیمانه خداوند بر این تعلق گرفته که امور از طریق اسباب خاص و علل معین به انسان ها برسد. بنابراین، همان گونه که در عالم ماده نمی توان پرسید: چرا خداوند متعال زمین را با خورشید نورانی کرده و خود بی واسطه به چنین کاری دست نزده است؟ در عالم معنا نیز نمی توان گفت: چرا خداوند مغفرت خویش را به واسطه اولیای الهی، شامل حال بندگان می کند؟

شهید مطهری رحمته الله علیه می فرماید: «فعل خدا، دارای نظام است. اگر کسی بخواهد به نظام آفرینش اعتنا نداشته باشد گمراه است. به همین جهت است که خدای متعال، گناه کاران را ارشاد فرموده است که در خانه رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بروند و علاوه بر این که خود طلب مغفرت کنند، از آن بزرگوار بخواهند که برای ایشان طلب مغفرت کند. قرآن کریم می فرماید: ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا﴾؛ ^(۹) «اگر ایشان هنگامی که [با ارتکاب گناه] به خود ستم کردند، نزد تو می آمدند و از خدا آمرزش می خواستند و پیامبر هم برای ایشان طلب مغفرت می کرد، خدا را توبه پذیر مهربان می یافتند.» ^(۱۰)

از همین رو می بینیم که در قرآن و سنت تأکید فراوانی بر وسیله و توسل شده است. خداوند متعال می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ...﴾؛ ^(۱۱) «ای مؤمنین! تقوا پیشه کنید و برای رسیدن به او وسیله طلب نمایید.»

توسل از دیدگاه قرآن

یکی از باب های عبادت خداوند متعال، در کنار نماز و روزه و دعا و ذکر و... توسل به سوی او با وسیله قرار دادن اولیا و مقربین است، توسل به سوی خدا به واسطه مقربین یک نوع نزدیکی و قرب به خدا به حساب می آید؛ زیرا شخص متوسل زمام قلب خود را به سوی وجه خدا معطوف می دارد.

خداوند متعال در آیه تغییر قبله می فرماید: ﴿قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ﴾؛ ^(۱۲) «نگاه های انتظارآمیز تو را به سوی آسمان [برای تعیین قبله نهایی] می بینیم. اکنون تو را به سوی قبله ای که از آن خشنود باشی، باز می گردانیم. پس روی خود را به مسجد الحرام کن. و هر جا باشید، روی خود را به سوی آن بگردانید. و کسانی که کتاب آسمانی به آن ها داده شده، به خوبی می دانند این فرمان حقی است که از ناحیه پروردگارشان صادر شده [و در کتاب های خود خوانده اند که پیغمبر اسلام، به سوی دو قبله، نماز می خواند]. و خداوند از اعمال آن ها [در مخفی داشتن این آیات] غافل نیست.»

خداوند سبحان در این آیه دستور داده تا همه نمازگزاران هنگام نماز رو به قبله قرار گیرند. در نتیجه خداوند قبله را وسیله ای برای توجّه به خودش قرار داده است.

در آیه دیگر می خوانیم: ﴿وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا﴾؛ ^(۱۳) «کار نیک، آن نیست که از پشت خانه ها وارد شوید، بلکه نیکي این است که پرهیزکار باشید، و از در خانه ها وارد شوید و تقوا پیشه کنید تا رستگار گردید.»

در این آیه خداوند دستور می دهد که انسان ها از درب خانه ها وارد شوند که این اشاره به وسیله و اسباب دارد، و لازم است که هر کاری را از راهش انجام دهیم.

قبله، معبود انسان نیست بلکه چیزی است که انسان به واسطه توجه به آن در حقیقت به خدا توجه پیدا می کند. از این جهت است که خداوند سبحان آدم را قبله ملائکه قرار داد و دستور داد تا بر او سجده کنند، ولی این سجده در حقیقت سجده برای خدا است.

و لذا فرمود: ﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ...﴾؛ ^(۱۴) «و [یاد کن] هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده و خضوع کنید.»

و نیز بیوت حضرت موسی کلیم الله قبله برای بنی اسرائیل در نمازهایشان برای خدا قرار گرفته است، آنجا که در قرآن می خوانیم: ﴿وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّءَا لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بَيْوتًا وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ﴾؛ ^(۱۵) «و به موسی و برادرش وحی کردیم که برای قوم خود خانه هایی در سرزمین مصر انتخاب کنید و خانه های تان را مقابل یکدیگر [و متمرکز] قرار دهید و نماز را برپا دارید، و به مؤمنان بشارت ده [که سرانجام پیروز می شوند].»

و به همین جهت است که یوسف به پدرش گفت: ﴿يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ﴾؛ ^(۱۶) «پدرم! من در خواب دیدم که یازده ستاره، و خورشید و ماه در برابر من سجده می کنند.»

و نیز هنگامی که یعقوب و برادران یوسف وارد شدند همگی بر او سجده کردند، آنجا که قرآن در این باره می گوید: ﴿فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَىٰ يُوسُفَ آوَىٰ إِلَيْهِ أَبَوَيْهِ وَقَالَ ادْخُلُوا مِصْرَ إِن شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ * وَرَفَعَ أَبَوَيْهِ عَلَى الْعَرْشِ وَخَرُّوا لَهُ سُجَّدًا وَقَالَ يَا أَبَتِ هَذَا تَأْوِيلُ رُءْيَايَ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا﴾؛ ^(۱۷) «و هنگامی که

بر یوسف وارد شدند، او پدر و مادر خود را در آغوش گرفت، و گفت: همگی داخل مصر شوید، که ان شاء الله در امن و امان خواهید بود. و پدر و مادر خود را بر تخت نشاند و همگی به خاطر او به سجده افتادند، و گفت: ای پدر! این تعبیر خوابی است که قبلاً دیدم، پروردگارم آن را حق قرار داد.»

نقل این مطالب در قرآن تنها قصه گویی نیست بلکه درس ها و پیام هایی برای ما دارد. لذا قرآن کریم در آخر قصه حضرت یوسف عَلَيْهِ السَّلَام می فرماید: ﴿لَقَدْ كَانَ فِي قَصصِهِمْ عِبْرَةً لِأُولِي الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَى وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾؛ ^(۱۸) «در سرگذشت آن ها درس عبرتی برای صاحبان اندیشه بود. این ها داستان دروغین نبود، [بلکه وحی آسمانی است، و] هماهنگ است با آنچه پیش روی او [از کتب آسمانی پیشین] قرار دارد، و شرح هر چیزی [که مایه سعادت انسان است] و هدایت و رحمتی است برای گروهی که ایمان می آورند. «

و نیز در آیه ای دیگر می خوانیم: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾؛ ^(۱۹) «ای کسانی که ایمان آورده اید از [مخالفت فرمان] خدا بپرهیزید، و وسیله ای برای تقرب به او بجویید، و در راه او جهاد کنید، باشد که رستگار شوید. «

و نیز می فرماید: ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا﴾؛ ^(۲۰) «و اگر این مخالفان، هنگامی که به خود ستم کردند [و فرمانهای خدا را زیر پا گذاشتند] به نزد تو می آمدند، و از خدا طلب آمرزش می کردند، و پیامبر برای آن ها استغفار می کرد، خدا را توبه پذیر مهربان می یافتند.»

در این آیه، خداوند وسیله را معین کرده که همان استغفار و توبه و بازگشت به پیامبر ﷺ و استغفار آن حضرت و شفیع قرار گرفتن او بین گنهکار و خدا است.

خداوند متعال در قرآن کریم شأن حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَام را بالا برده و او را وجیه و آبرومند معرفی کرده است، آنجا که می فرماید: ﴿... اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ﴾؛ ^(۲۱) «نامش مسیح، عیسی پسر مریم است؛ در حالی که در این جهان و جهان دیگر، دارای آبرو خواهد بود، و از مقربان [الهی] است.»

و نیز در شأن حضرت موسی می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَى فَبَرَّأَهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهًا﴾؛ ^(۲۲) «ای کسانی که ایمان آورده اید! همانند کسانی نباشید که موسی را آزار دادند، و خداوند او را از آنچه در حق او گفتند مبرا ساخت، و او نزد خداوند آبرومند [و گرانقدر] بود.»

«وجیه» یعنی شخص دارای آبرو و قرب که به واسطه او انسان به دیگری توجه پیدا کرده و به او متوسل می شود و لذا در روایت آمده است که پیامبر ﷺ به شخصی اعرابی چنین تعلیم داد که بگو: «یا محمد! انی توجّهت بک إلی الله...»؛ ^(۲۳) «ای محمد! همانا من برای رسیدن به خدا به تو توجه می کنم.»

و نیز در روایت عثمان بن حنیف آمده که مردی کور نزد پیامبر ﷺ آمد و عرض کرد: از خدا بخواه تا مرا عافیت دهد. حضرت فرمود: اگر بخواهی صبر کنی برای تو بهتر است. و اگر خواستی برای تو دعا می کنم. آن مرد عرض کرد: برای بینایی من دعا کن. حضرت او را دستور داد تا وضو گرفته و این دعا را بخواند: «اللهم انی أسألك وأتوجه إليك بنبيك محمد نبي الرحمة، يا محمد! انی توجّهت بک إلی ربی فی حاجتی ليقضيها، اللهم شفّعه فی»؛ ^(۲۴) «بار خدایا!

همانا من از تو می خواهم و به وسیله پیامبرت محمد، پیامبر رحمت به سوی تو توجه پیدا می کنم. ای محمد! همانا من به سبب تو به پروردگارم در حاجتم متوجه شدم تا آن را برآورد. بار خدایا! او را در حق من شفیع گردان.»

عالم مظهر خداست

فعل و خلقت خدا، وجه و آیه و نشانه او است. آنچه در شرق و غرب عالم آفریده شده و به تعبیری جامع تر آنچه در عالم وجود است همگی آیات و نشانه هایی است که می تواند متدبر در آن ها را به سوی خدا سوق دهد و لذا آن ها به یک معنا وجه خدایند. قبله که در مقابل انسان در حال نماز قرار می گیرد رمزی از وجه خدا بودن است، به این معنا که گویا ما تمام روی خود را به طرف قبله قرار داده و او را وجه الهی فرض کرده ایم.

آیات و وجه های خدا مختلف است و برخی از آن ها تام است؛ یعنی مظهر صفات و اسمای تامه الهی است. و لذا خداوند متعال درباره حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: ﴿... وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ﴾ و نیز در مورد حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: ﴿وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهًا﴾.

توجه به اشرف مخلوقات خداوند، در حقیقت روی کردن به طرف وجه کریم خدا است، لذا در دعای ندبه می خوانیم: «أَيْنَ وَجْهَ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ يَتَوَجَّهَ الْأَوْلِيَاءُ»؛ «کنجاست وجه خدا که اولیای الهی تنها به سوی او توجه می کنند.» و نیز در زیارت جامعه کبیره می خوانیم: «مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِدَأْ بَكُمُ وَمِنْ وَحْدِهِ قَبْلَ عِنْكُمْ وَمِنْ قَصْدِهِ تَوَجَّهَ بِكُمْ»؛ «هر کس خدا را بخواهد به شما شروع خواهد کرد و هر کس به توحید رسیده از شما پذیرفته است، و هر کس خدا را قصد کرده به شما توجه پیدا کرده است.»

ولی کامل، وجه خدا

خداوند سبحان می فرماید: ﴿كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ * وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ﴾؛ ^(۲۵) «هر کس بر روی آن [زمین] است فنا پذیرد و باقی می ماند وجه پروردگارت که آن وجه دارای صفت جلال و جمال است.»

به اتفاق مفسرین کلمه «ذو» صفت برای «وجه» است؛ یعنی وجه پروردگار تو که آن وجه صاحب جلال و اکرام است، باقی می ماند. و چون می دانیم که وجه هر چیزی عبارت است از آنچه که مواجهه بدان حاصل می شود، بنابر این وجه هر چیز مظهر آن است، و مظاهر، همان اسمای خدا هستند که مواجهه خدا با تمام مخلوقات به وسیله آن ها انجام می گیرد، و نتیجه آن این می شود که تمام موجودات فنا و زوال پذیرند مگر اسماء جلالیه و جمالیه خداوند. و در نتیجه معلوم می شود که سالکان راه خدا که به فیض جهاد اکبر نایل شده اند؛ عبارتند از اسماء جلالیه و جمالیه حضرت پروردگار متعال. و این اسماء در خارج جز اولیای الهی کسان دیگری نیستند.

لذا در صحیح بخاری می خوانیم که پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «من رآنی فقد رأى الحق»؛ ^(۲۶) «هر کس مرا ببیند خداوند را مشاهده کرده است.»

تأثیر دعای پیامبر ﷺ

از آیات قرآن استفاده می شود که دعای پیامبر ﷺ در برآورده شدن حاجات، تأثیر به سزایی دارد و از آنجا که حیات برزخی را در جای خود به اثبات رساندیم، لذا فرقی بین درخواست از ولی زنده یا مرده نمی کند، انسان می تواند بلکه باید برای قضای حاجاتش به سراغ وسائط برود. ولی نکته مهم این است که وقتی نزد آنان آمد، باید با اعتقاد به واسطه بودن آنان باشد نه این که با دید استقلالی به آن ها بنگرد.

خداوند سبحان از قول برادران یوسف عَلَيْهِمَا السَّلَامُ می فرماید: ﴿قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ * قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ﴾؛^(۲۷) «گفتند: ای پدر! از خدا آمرزش گناهان ما را بخواه که ما خطاکار بودیم. پدر فرمود: به زودی از پروردگارم برای شما استغفار خواهم کرد؛ زیرا او بخشنده مهربان است.»

و نیز در مورد قصه فرعون با حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ می فرماید: ﴿وَلَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ الرِّجْزُ قَالُوا يَا مُوسَى ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ﴾؛^(۲۸) «و هنگامی که بلا بر آن ها مسلط شد، گفتند: ای موسی! از خدایت برای ما بخواه به عهدی که با تو کرده، رفتار کند...»

و در مورد پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرماید: ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا﴾؛^(۲۹) «و اگر این مخالفان، هنگامی که به خود ستم کردند نزد تو آمده و از خدا طلب مغفرت می نمودند، و پیامبر هم برای آن ها استغفار می کرد، خدا را توبه پذیر و مهربان می یافتند.»

انواع توسل

توسل و وسیله قراردادن برای رسیدن به خداوند و حوایج، خود بر چند نوع است:

- ۱ - برخی از آن ها به اتفاق مسلمانان جایز است؛
- ۲ - دسته ای به اتفاق مسلمانان جایز نیست؛
- ۳ - گروهی دیگر مورد اختلاف بین وهابیان و مسلمانان است.

موارد اتفاق بر جواز

۱ - توسل به خدا، به ذات و اسماء و صفاتش

خداوند متعال می فرماید: ﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا...﴾؛ ^(۳۰) «و برای خدا است اسم های پسندیده، پس او را به آن ها بخوانید. «
ترمذی به سند خود از بریده نقل می کند: پیامبر ﷺ شنید که مردی خداوند را به ذات، صفات و اسمایش قسم می دهد و می گوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنِّي أَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْأَحَدُ الصَّمَدُ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ» پیامبر ﷺ فرمود: «تو خدا را به اسم اعظم اش خواندی، اسمی که اگر به آن خوانده شود اجابت می کند و اگر به آن سؤال شود عطا می کند». ^(۳۱)

شیخ عبدالعزیز بن باز می گوید: «... توسل باید به اسمای خدا، صفات و توحید او باشد؛ همان گونه که در حدیث صحیح وارد شده است...». ^(۳۲)

۲ - توسل به طاعت و ایمان

توسل همراه عمل صالح از بهترین وسائط نزد خداوند متعال و از موارد اتفاق بین مسلمین است.

آلوسی در ذیل آیه شریفه: ﴿وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ...﴾ می گوید: «خداوند امر به ادای طاعات نموده است». ^(۳۳)

حضرت ابراهیم و فرزندش اسماعیل ساختن خانه خدا را عملی برای تقرب به خداوند متعال قرار داده بودند. خداوند در این باره می فرماید: ﴿وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾؛ ^(۳۴) «و [نیز یاد آورید هنگامی را که ابراهیم و اسماعیل پایه های خانه [کعبه] را بالا می بردند و [می گفتند] پروردگارا! از ما بپذیر که تو شنوا و دانایی. « آن

گاه از خداوند حاجت شان را طلبیده و عرض می کنند: «رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ»؛ ^(۳۵) «پروردگارا! ما را تسلیم فرمان خود قرار ده و از دودمان ما، امتی که تسلیم فرمانت باشند [به وجود آور و طرز عبادت‌مان را به ما نشان بده و توبه ما را بپذیر که تو توبه پذیر و مهربانی.»

شیخ عبدالعزیز بن باز می گوید: «هم چنین یکی از اقسام توسل جایز، توسل به اعمال صالح است؛ در روایت آمده است: گروهی در غاری محبوس شدند و هر کدام با وسیله قرار دادن اعمال صالح خود، از خداوند خواستند که آنان را نجات دهد: یکی خدا را به نیکی به پدر و مادر قسم داد. دیگری، به عفت از زنا سوگند داد. آن یکی به ادای امانت یاد کرد؛ در این هنگام خداوند همه آنان را نجات داد.» ^(۳۶)

مصطفی محمود در ذیل آیه: ﴿وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ﴾ می گوید: «وسیله هر انسانی عملش است و بهترین عمل، متابعت کردن از رسول و الگو قرار دادن او در تمام اعمال است...» ^(۳۷).

۳ - توسل به قرآن کریم

احمد بن حنبل از عمران بن حصین نقل می کند که رسول خدا ﷺ فرمود: «قرآن بخوانید و با آن از خداوند سؤال و درخواست کنید...» ^(۳۸).

۴ - توسل به پیامبر ﷺ در روز قیامت

توسل به پیامبر ﷺ در قیامت؛ یعنی این که مردم در روز قیامت حضرت را وسیله قرار داده و از او بخواهند تا نزد خداوند از آنان شفاعت کند. بخاری از پیامبر ﷺ نقل می کند: «مؤمنان در روز قیامت دور هم جمع می شوند، و می گویند: چه خوب است اگر پیامبر ﷺ ما را شفاعت کند... آن گاه نزد پیامبر

ﷺ آمده و از وی طلب حاجت می کنند، آن حضرت ﷺ نیز از آنان شفاعت می کند.» .

شورای فتوای وهابیان می گویند: «... روز قیامت مؤمنان به ترتیب به حضرت آدم، نوح، ابراهیم، موسی و عیسی پناه می آورند و همگی عذر می خواهند. حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام می فرماید: به نزد محمد ﷺ روید؛ زیرا او بنده ای است که خداوند گناهان گذشته و آینده او را آمرزیده، از او بخواهید تا شما را شفاعت کند. پیامبر ﷺ نیز به سجده افتاده و برای آنان از درگاه الهی طلب مغفرت و غفران می کند...» . (۳۹)

۵ - توسل به آثار پیامبر ﷺ در زمان حیات

توسل، گاهی با وسیله قرار دادن خودِ شخص است، زمانی با اثرش و هنگامی نیز به مکانی است که آن شخص بزرگوار را در خود جای داده است. احمد بن حنبل و دیگران نقل می کنند: پیامبر ﷺ هنگامی که وضو می گرفت، مردم به جهت تبرک به آب وضوی حضرت ﷺ نزدیک بود که خود را به هلاکت اندازند. (۴۰)

۶ - توسل به دعای پیامبر ﷺ در حال حیات

پیامبر اکرم ﷺ به این دلیل که شخصیتی عظیم و جلیل القدر است، دعایش رد نمی شود، لذا می توان برای رسیدن به خواسته خود از خدا به دعای او توسل جست.

برادران حضرت یوسف عَلَيْهِ السَّلَام بعد از آن که به خطا و اشتباه و گناهشان پی برده و پشیمان گشتند، از پدرشان خواستند تا برای آنان دعا کند. خداوند در این زمینه می فرماید: ﴿قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ * قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ﴾ ؛ (۴۱) «گفتند: پدر! از خدا آمرزش

گناهان ما را بخواه که ما خطاکار بودیم...» همچنین در مذمت منافقان می فرماید: ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّا رُؤُسَهُمْ وَرَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ﴾؛ ^(۴۲) «هنگامی که به آنان گفته شود: بیایید تا رسول خدا برای شما استغفار کند، سرهایشان را [از روی استهزا و کبر و غرور] تکان می دهند و آن ها را می بینی که از سخنان تو اعراض کرده و تکبر می ورزند.»

۷ - توسل به ذات پیامبر ﷺ قبل از آمدن به دنیا

حاکم نیشابوری نقل می کند: «حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام بعد از آن که خطایی از او سرزد، عرض کرد: بار خدایا تو را به حق محمد سوگند می دهم از من بگذری! خداوند فرمود: ای آدم چه کسی به تو این کلمات را یاد داد؟! عرض کرد: بار خدایا! بر ساق عرش دیدم چنین نوشته شده است: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» از این فهمیدم که رسول تو کریم ترین انسان ها نزد توست؛ زیرا اسم او را با اسم خودت مقرون ساختی. خداوند فرمود: آری، تو را بخشیدم، او آخرین پیامبران و از ذریه تو است و اگر او نبود تو را خلق نمی کردم». ^(۴۳)

۸ - توسل به انبیا و اولیا در حیاتشان

ابن تیمیه می گوید: ترمذی به طریق صحیح نقل کرده که پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به شخصی دستور داد، این چنین خدا را بخواند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَأَتُوجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ». ^(۴۴)

ابوبکر نزد رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمد و عرض کرد: من قرآن را فرا می گیرم، ولی آن را فراموش می کنم. حضرت صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: بگو: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَ...». ^(۴۵)

موارد اتفاق بر عدم جواز

برخی از اقسام توسل به اتفاق مسلمین جایز نیست که عبارتند از:

۱ - توسل به طاغوت: خداوند متعال می فرماید: ﴿يُرِيدُونَ أَن يُتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ﴾؛ ^(۴۶) «می خواهند برای داوری نزد طاغوت و حکام باطل بروند، با این که به آنان دستور داده شده که به طاغوت کافر شوند.»

۲ - توسل به بتان: خداوند می فرماید: ﴿وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شَفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ﴾؛ ^(۴۷) «آنان غیر از خدا چیزهایی را می پرستند که نه به آنان زیان می رساند و نه سودی می بخشد و می گویند: این ها شفیعان ما نزد خدا هستند.»

موارد اختلاف

همان گونه که اشاره شد، وهابیان و عموم مسلمانان در برخی از اقسام توسل اختلاف دارند که عبارت است از:

۱ - توسل به ذات حق، مقام و جاه پیامبر ﷺ و اولیای الهی در حیات برزخی؛

۲ - توسل به دعای پیامبر ﷺ و اولیای الهی در حیات برزخی؛

۳ - توسل به آثار پیامبر ﷺ و اولیا در حیات برزخی.

۱ - توسل به جاه پیامبر ﷺ در حیات برزخی

این قسم طبق نظر عموم مسلمین جایز است، ولی وهابیان آن را نه تنها جایز ندانسته بلکه شرک آلود می دانند.

شورای فتوای وهابیان می نویسند: «توسل به ذات پیامبر ﷺ و غیر او (از انبیا و صالحان) جایز نیست؛ همچنین توسل به جاه پیامبر ﷺ و غیر او حرام است...» (۴۸).

دلیل جواز و رجحان

برای جواز و رجحان این نوع توسل می توان به ادله ای تمسک کرد که به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

۱ - طبرانی در «المعجم الکبیر» به سند صحیح از عثمان بن حنیف نقل می کند: شخصی به جهت حاجتی مکرر نزد عثمان بن عفان مراجعه می نمود، ولی عثمان به خواسته اش توجهی نمی کرد؛ تا این که در بین راه عثمان بن حنیف را - که خود راوی است - ملاقات کرده و از این موضوع شکایت کرد. عثمان بن حنیف به او گفت: آبی را آماده کن و وضو بگیر؛ به مسجد برو و دو رکعت نماز بگذار و بعد از اتمام نماز، پیامبر ﷺ را وسیله قرار ده و بگو: «اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُکَ وَ اَتُوْجِّهْ اِلَیْکَ بِنَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ ﷺ نَبِیِّ الرَّحْمَةِ، یا مُحَمَّدُ! اِنِّیْ اَتُوْجِّهْ بِکَ اِلَی رَبِّیْ فَتَقْضِ لِی حَاجَتِی»، آن گاه حاجت خود را به یاد آور.

عثمان بن حنیف می گوید: شخص یاد شده آن اعمال را انجام داد، آن گاه به سوی خانه عثمان روان شد، فوراً دربان آمد و او را نزد عثمان بن عفان برد، عثمان نیز او را احترام شایانی کرد. سپس حاجتش را به طور کامل برآورد و به او گفت: من همین الآن به یاد حاجت تو افتادم و هر گاه بعد از این از ما حاجتی خواستی به نزد ما بیا...

عثمان بن حنیف گفت: این دستور از من نبود، بلکه روزی خدمت پیامبر ﷺ بودم که نایبایی نزد حضرت آمد و از کوری چشم خود شکایت نمود.

حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ابتدا پیشنهاد کرد که صبر کند ولی او نپذیرفت. سپس به او همین دستور را داد و آن شخص نیز بعد از ادای آن بی‌نا شد و به مقصود خود رسید. این حدیث را جماعت کثیری از اهل سنت نقل کرده‌اند؛ امثال: حاکم نیشابوری،^(۴۹) ابن عبدالبر،^(۵۰) ابونعیم اصفهانی،^(۵۱) ذهبی،^(۵۲) حافظ هیشمی،^(۵۳) متقی هندی^(۵۴) و دیگران.

۲ - دارمی در سنن خود از ابو الجوزاء اوس بن عبدالله نقل می‌کند: در مدینه قحطی شدیدی پدید آمد. عده‌ای نزد عایشه آمده و از این امر شکایت کردند. عایشه گفت: به سراغ قبر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روید و از آنجا دریچه‌ای به سوی آسمان باز کنید تا بین قبر حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و آسمان فاصله‌ای نباشد. آنان چنین کردند. خداوند نیز به برکت توسل به حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ باران فراوانی به آن‌ها عنایت کرد، تا آن‌که سبزی‌ها رشد کرده و شتران چاق شدند...^(۵۵)

از آنجا که حدیث موافق با عقیده «البانی» نبوده، سعی کرده به دلیل وجود سعید بن زید در سندش، آن را تضعیف کند،^(۵۶) در حالی که سعید بن زید از رجال مسلم است و یحیی بن معین او را توثیق نموده است. همچنین بخاری، ابن سعد، عجللی، ابوزرعه، ابوجعفر دارمی و برخی دیگر از رجالین اهل سنت او را توثیق نموده‌اند.^(۵۷)

این حدیث را ابو نعمان از سعید بن زید و او از عمرو بن مالک نکری و او از ابو الجوزاء اوس بن عبدالله نقل کرده است:

ابو نعمان همان محمد بن فضل است که ملقب به عام شیخ بخاری است و حافظ ابن حجر در کتاب «التقریب» درباره او می‌گوید: «او ثقه و ثبت است». ولی در آخر عمرش تغییری داشته است و این تغییر مضر به روایات او نیست؛ زیرا بخاری بیش از صد حدیث در کتاب صحیحش از او نقل کرده ولی بعد از

تغییر در وضعیت او کسی متحمل روایت از او نشده است. ذهبی در ردّ کلام ابن حبان که می گوید: «از او احادیث منکر نقل شده» می نویسد «ابن حبان نمی تواند یک حدیث منکر از او ذکر کند پس کجاست آن چیزی را که گمان کرده است.»^(۵۸)

سعید بن زید و عمرو بن مالک نکری، هر دو بنا بر تصریح ابن حجر در کتاب «التقریب» صدوقند. گرچه به دنبال آن از کلمه «بهم» استفاده کرده است ولی بنا بر نقل «تدریب الراوی» این جمله از صیغه های توثیق است نه تضعیف. ابو الجوزاء اوس بن عبدالله ربعی ثقه و از رجال صحیحین می باشد. در نتیجه سند این روایت مشکلی ندارد.

۳ - قسطلانی نقل می کند: «عربی بر کنار قبر پیامبر ﷺ ایستاد و عرض کرد: بار خدایا! امر کردی تا بندگان را آزاد کنیم، این حبیب تو است و من بنده تو، مرا از آتش جهنم به حقّ پیامبرت آزاد گردان. هاتقی ندا داد: ای مرد! چرا آزادی از جهنم را تنها بر خودت خواستی و برای جمیع مؤمنین نخواستی؟ برو که تو را آزاد نمودم.»^(۵۹)

۴ - ابن ابی الدنیا در کتاب «مجابی الدعاء» نقل کرده که ابوهاشم حدیث کرد ما را که از کثیر بن محمد بن کثیر بن رفاعه شنیدم که می گوید: مردی به نزد عبدالملک بن سعید بن ابجر آمد در حالی که شکم او ورم کرده بود. عبدالملک به او گفت: تو دردی داری که هرگز خوب نخواهد شد. آن مرد گفت: آن درد چیست؟ عبدالملک گفت: دمل بزرگی است که در شکم تو پدید آمده که و غالباً صاحب آن را به قتل می رساند. آن مرد ناراحت شد و عرض کرد: «اللّه، اللّه، اللّه ربّی لا اشرک به شیئاً اللهمّ انّی اتوجه الیک نبیک محمد ﷺ نبیّ الرحمة، یا محمد! انّی اتوجه بک الی ربّک و ربّی یرحمی ممّا بی»؛ «خدا را،

خدا را، خدا را، که پروردگار من است که هرگز به او شرک نخواهم ورزید. بارخدا یا! من به وسیله پیامبرت محمد که نبی رحمت است به سوی تو توجه پیدا می کنم، ای محمد! همانا من به واسطه تو به پروردگارت و پروردگارم متوجه می شوم که از آنچه در من وجود دارد به من رحم نماید.» راوی می گوید: در آن هنگام بود که از آن مرض بهبودی پیدا کرد و هرگز درد و مرضی در خود احساس نمی نمود.

ابن تیمیه می گوید: «روایت شده که سلف به این دعا و نحو آن خدا را می خواندند.» (۶۰)

دیدگاه علمای اهل سنت

۱ - نورالدین سمهودی می گوید: «استغاثه و شفاعت و توسل به پیامبر ﷺ و جاه و برکت او نزد خداوند از کردار انبیا و سیره سلف صالح بوده و در هر زمانی انجام می گرفته است؛ چه قبل از خلقت و چه بعد از آن، حتی در حیات دنیوی و در برزخ. هر گاه توسل به اعمال صحیح است؛ همان گونه که در حدیث غار آمده، توسل به پیامبر ﷺ اولی است...» (۶۱)

۲ - دکتر عبدالملک سعدی می گوید: «هر گاه کسی بگوید: اللَّهُمَّ إِنِّي تَوَسَّلْتُ إِلَيْكَ بِجَاهِ نَبِيِّ أَوْ صَالِحٍ؛ کسی نباید در جواز آن شک کند؛ زیرا جاه همان ذات کسی نیست که به او توسل شده، بلکه مکان و مرتبه او نزد خداوند است و این، حاصل و خلاصه اعمال صالح او است. خداوند متعال در مورد حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ می فرماید: ﴿وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهًا﴾؛ (۶۲) و نزد خدا آبرومند بود...» (۶۳)

۳ - قسطلانی می گوید: «بر زائر رسول خدا ﷺ سزاوار است که زیاد دعا و تضرع و استغاثه، طلب شفاعت و توسل به ذات پاک رسول خدا ﷺ نماید...» (۶۴)

۴ - زرقانی در شرح آن می گوید: «... باید به پیامبر ﷺ توسل جست؛ زیرا توسل به آن حضرت سبب فرو ریختن کوه های گناهان است...» .

۵ - ابن الحاج ابو عبیدالله عبدری مالکی می گوید: «... مرده ای که به زیارتش می رویم اگر از کسانی باشد که امید برکت از او می رود، باید به او توسل جست، و پیامبر اکرم ﷺ در رأس آنان است...» (۶۵)

۶ - حسن بن علی سقاف شافعی می گوید: «توسل، استغاثه و طلب شفاعت از بزرگ مردم (محمد ﷺ پیامبر و چراغ تاریکی ها) از امور مستحبی است که بر آن تأکید فراوان شده است، به ویژه هنگام گرفتاری ها. و سیره علمای اهل عمل و اولیای اهل عبادت، بزرگان محدثین و امامان سلف بر این بوده است.» .

۷ - نووی در برخی از کتاب هایش قائل به استحباب توسل شده است. (۶۶)

۸ - غماری در مقدمه کتابش می نویسد: «قول به استحباب توسل، مذهب شافعی و دیگر از امامان شایسته است. کسانی که بر جلالت و وثوق آنان اجماع است.» (۶۷)

۹ - ابن حجر مکی از اشعار شافعی این دو بیت را که بر توسل شافعی به اهل بیت پیامبر ﷺ دلالت دارد، نقل می کند:

آل النبوی ذریعتی و هم إلیه وسیلتی
أرجو بهم أعطوا غداً ییدی الیمین صحیفتی (۶۸)
«آل پیامبر ﷺ راه من می باشند، و آنان وسیله من به سوی خدایند.»

به آنان امید دارم که در روز قیامت صحیفه و نامه اعمال مرا به دست راستم بدهند.»

۱۰ - زینی دحلان می گوید: «هر کس که ذکرهای پیشینیان و دعاها و اوراد آنان را دنبال کند، در آن ها مقدار زیادی از توسل به ذوات مقدسه می یابد. و کسی هم بر آنان ایراد نگرفت، تا این که این منکران (وهابیان) آمدند. و اگر قرار باشد که نمونه های توسل را جمع کنیم کتابی عظیم می شود...» (۶۹)

مرحوم علامه امینی در توجیه توسل می فرماید: «توسل بیش از این نیست که شخصی با واسطه قرار دادن ذوات مقدسه به خدا نزدیک شود و آنان را وسیله برآورده شدن حاجات خود قرار دهد؛ زیرا آنان نزد خدا آبرومندند؛ نه این که ذات مقدس آنان را به طور مستقل در برآورده شدن حاجت هایش دخیل بداند، بلکه آنان را مجاری فیض، حلقه های وصل و واسطه های بین مولی و بندگان می داند... با این عقیده که تنها مؤثر حقیقی در عالم وجود خداوند سبحان است و تمام کسانی که متوسل به ذوات مقدسه می شوند همین نیت را دارند، حال این چه ضدیتی با توحید دارد؟...» (۷۰)

۲ - توسل به دعای پیامبر ﷺ در حیات برزخی

عقیده مسلمانان بر جواز، بلکه رجحان این نوع توسل است، ولی در مقابل، وهابیان قائل به عدم جواز و حرمت آن می باشند.

ابن تیمیه می گوید: «توسل؛ یعنی این که انسان از پیامبر ﷺ طلب کند تا برایش دعا کند؛ همان گونه که شما به انسانی زنده می گویی: برای من دعا کن. همان طور که صحابه از پیامبر ﷺ می خواستند تا برایشان دعا کند. این در مورد زنده ها صحیح و مشروع است، ولی در مورد مردگان از انبیا و صالحان مشروع نیست...» (۷۱)

دلیل جواز و رجحان

۱ - خداوند متعال می فرماید: ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا﴾؛ ^(۷۲) «و اگر این مخالفان هنگامی که به خود ستم کردند [و فرمان های خدا را زیر پا گذاردند] به نزد تو می آمدند و از خدا طلب آمرزش می کردند و پیامبر هم برای آن ها استغفار می کرد، خدا را توبه پذیر و مهربان می یافتند.»

ممکن است کسی ادعا کند که آیه، ظهور در زمان پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دارد، ولی به تنقیح مناط و اخذ ملاک می توان آن را به عصر بعد از وفاتشان نیز تعمیم داد؛ زیرا انسان همیشه و در هر زمان گناه کار است و به وسیله ای نیاز دارد تا او را برای طلب مغفرت از خداوند واسطه قرار دهد. از همین رو، صحابه بعد از پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با تمسک به این آیه از آن حضرت صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ طلب استغفار می نمودند. این مطلب علی الخصوص با اثبات حیات برزخی و وجود ارتباط بین عالم برزخ و دنیا هموارتر خواهد شد. ^(۷۳)

۲ - بیهقی و ابن ابی شیبہ نقل می کنند: در زمان خلافت عمر قحطی شدیدی بر مردم روی آورد. بلال بن حرت رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ از اصحاب رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ کنار قبر پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! برای امتت باران بطلب؛ زیرا آنان نزدیک است که هلاک شوند. رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در عالم رؤیا به او فرمود: زود است که آنان سیراب شوند. ^(۷۴) در این حدیث بلال به دعای پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ متوسل شده است.

۳ - علی عَلِيٌّ می فرماید: «شخصی بعد از سه روز از دفن رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وارد مدینه شد و خود را روی قبر رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ انداخت و خاک آن را بر سر ریخت و عرض کرد: ای رسول خدا! گفتم، ما هم گفتارت را شنیدیم،

از خداوند گرفتی ما نیز از تو گرفتیم، از جمله آیاتی که بر تو نازل شد، این بود: ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاؤُوكَ...﴾ من به خود ظلم کرده ام، آمده ام تا برایم استغفار نمایی. از داخل قبر ندا داده شد که تو به طور حتم بخشیده شدی»

(۷۵)

منع از توسل، از بدعت های امویان

حاکم نیشابوری به سند خود از داوود بن ابی صالح نقل می کند: مروان روزی وارد روضه رسول خدا ﷺ شد مردی را دید که صورت (پیشانی) خود را بر روی قبر گذارده است. مروان دست به شانه اش گذاشت و گفت: می دانی که چه می کنی؟ آن مرد سر خود را بلند کرد. مروان دید او ابویوب انصاری است. او خطاب به مروان گفت: آری، می دانم که چه می کنم! من به خاطر این سنگ ها نیامده ام، بلکه برای رسول خدا ﷺ آمده ام. آن گاه از رسول خدا ﷺ نقل کرد که فرمود: «بر دین گریه نکنید، اگر کسی که اهلیت دارد والی آن گردد، بلکه زمانی بر دین بگریید که نااهل والی آن شود». (۷۶)

۳ - توسل و تبرک به آثار پیامبر ﷺ در حیات برزخی

عموم مسلمانان - در طول تاریخ - قائل به جواز آن بوده و هستند، ولی وهابیان آن را تحریم نمودند. در بحث «تبرک» و «سنت و بدعت» به فتاوی وهابیان در این مورد اشاره کردیم. در اینجا به طور خلاصه به برخی از روایات اشاره می کنیم:

۱ - سمهودی شافعی از مطلب نقل می کند: بعد از وفات پیامبر ﷺ مردم به خاک قبر پیامبر ﷺ تبرک جستند و از آن بر می داشتند، تا این که عایشه ممانع شد و دستور داد: دیواری را به دور قبر پیامبر ﷺ کشیدند تا جسد پیامبر ﷺ مکشوف نگردد. (۷۷)

۲ - بخاری در کتاب «اعتصام» به سند خود از اُبی برده نقل کرده است: هنگامی که وارد مدینه شدم، عبدالله بن سلام را ملاقات کردم، او به من گفت: به منزل ما بیا تا در ظرفی که رسول خدا ﷺ با آن آب آشامیده، آب خورده و سیراب شوی و در مکانی که در آنجا نماز گزارده، نماز بخوانی. با او به منزلش رفتم، با آن ظرف آب آشامیدم، از خرما تناول نموده و در آن مکان نماز گزاردم. (۷۸)

۳ - بخاری نیز در کتاب «الأدب المفرد» (۷۹) از عبدالرحمن بن رزین روایت کرده که فرمود: گذرمان بر سرزمین «ربذه» افتاد، خبردار شدیم که سلمة بن اکوع رضی الله عنه از اصحاب رسول خدا ﷺ در این سرزمین زندگی می کند، لذا خدمت او رسیدیم، بر او سلام کردیم. او دست هایش را بیرون آورد و فرمود: با این دو دست با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بیعت نمودم... ما بلند شده و آن را بوسیدیم.

کلمات اهل سنت درباره توسل

۱ - قسطلانی می گوید: «وینبغی للزائر له صلی الله علیه و آله و سلم أن یکثر من الدعاء والتضرع والتشفع والتوسل به صلی الله علیه و آله و سلم فجدير بمن أستشفع به أن یشفعه الله فیہ. قال: وإن الاستغاثة هی طلب الغوث فالمستغیث یطلب من المستغاث به أغاثته أن یحصل له الغوث، فلا فرق بین أن یعبر بلفظ الاستغاثة أو التوسل أو التشفع أو التوجه أو التجوه؛ لأنهما من الجاه والوجهة ومعناهما علو القدر والمنزلة وقد یتوسل بصاحب الجاه إلى من هو أعلى منه.

قال: ثم إن کلاً من الاستغاثة والتوسل والتشفع والتوجه بالنبی صلی الله علیه و آله و سلم كما ذكره فی (تحقیق النصرة و مصباح الظلام) واقع فی کلّ حال قبل خلقه و بعد خلقه فی مدة حیاته فی الدنيا و بعد موته فی البرزخ و بعد البعث فی عرصات القيامة. ثم فصل ما وقع من التوسل والاستشفاع به صلی الله علیه و آله و سلم فی الحالات المذكورة؛ (۸۰) «بر

زائر پیامبر ﷺ سزاوار است که بسیار دعا بخواند و زیاد تضرع، استغاثه و شفاعت خواهی کند و به پیامبر ﷺ متوسل شود. آن گاه شایسته اوست که خداوند فرد مورد نظر را شفیع او قرار دهد.

و نیز می گوید: استغاثه، فریادرس طلبیدن است پس استغاثه کننده از فریادرس، یاری می طلبد تا این که فریادرسی برای او حاصل آید. در این بین، فرق نمی کند که با لفظ استغاثه یا توسل و یا تشفع تعبیر نماید و یا با لفظ توجه یا تجوّه، چون ریشه آن دو، از جاه و وجاهت است و معنای شان بلندمرتبه و والامقام بودن می باشد و همواره به واسطه صاحب مقامی برای رسیدن به صاحب مقام بالاتر از او توسل می شود.

سپس می گوید: استغاثه، توسل، تشفع و توجه نمودن به پیامبر ﷺ - چنانچه در کتاب «تحقیق النصرة و مصباح الظلام» ذکر کرده - در هر حالی واقع شده است؛ چه قبل از آفرینش او و چه بعد از به دنیا آمدن، چه در مدت حیاتش و چه بعد از رحلتش، در برزخ و بعد از مبعوث شدن در عرصه قیامت. سپس بحث موارد وقوع توسل و شفاعت خواهی از حضرت در حالات مذکور را به تفصیل بیان کرده است.

۲ - زرقانی در کتاب «شرح المواهب» می نویسد: «ونحو هذا فی منسک العلّامة خلیل و زاد: و لیتوسل به ﷺ و یسأل الله تعالی بجاهه فی التوسل به؛ اذ هو محطّ جبال الأوزار و ائقال الذنوب؛ لأن بركة شفاعته و عظمتها عند ربّه لا یتعاضمها ذنب. و من اعتقد خلاف ذلك فهو المحروم الذی طمس الله بصیرته و أضلّ سریرته. الم یسمع قوله تعالی: ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ...﴾^(۸۱) قال: و لعلّ مراده التعریض باین تیمیة»؛^(۸۲) «و همچنین است مسلک و روش علّامه خلیل. و اضافه می کند: به پیامبر ﷺ باید توسل

شود و در توسّل به احترام مقام آن حضرت از خداوند درخواست می شود؛ چون پیامبر ﷺ محلّ نزول کوه های گناهان و سنگینی آن هاست (کنایه از این است که حضرت، شفاعت امتش را از خداوند می خواهد) به خاطر این که به برکت شفاعت حضرت و عظمت آن نزد پروردگار، هیچ گناهی برابری نمی کند و هر کس خلاف این مطلب را معتقد باشد، محرومی است که خداوند بصیرتش را پوشانده و سریرتش را گمراه نموده است. آیا او سخن خدا را نشنیده است که فرمود: «اگر آنان که بر خویشتن ظلم کردند و پیش تو (پیامبر) آمدند تا از خدا برای ایشان آمرزش بخواهی و طلب مغفرت از خدا نمودند...» زرقانی می گوید: و شاید مراد علامه خلیل از این حرف، تعریض و گوشه زدن بر ابن تیمیه باشد» .

پاسخ به شبهات

در باب توسل به اولیای الهی شبهاتی مطرح شده است، گرچه برخی از آن ها مشترک بین این باب و باب استغاثه به ارواح اولیای الهی است ولی ما در اینجا به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

۱ - اسمای الهی، تنها وسیله

برخی می گویند: مطابق آیات الهی تنها وسیله برای تقرّب به سوی خداوند اسماء الهی است.

خداوند متعال می فرماید: ﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾؛ ^(۸۳) «و برای خدا، نام های نیک است، خدا را با آن [نام ها] بخوانید. و کسانی که در اسمای خدا تحریف می کنند [و بر غیر او می نهند، و شریک برایش قائل می شوند] رها سازید. آنان به زودی جزای اعمالی را که انجام می دادند، می بینند.»

و نیز می فرماید: ﴿وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا﴾؛ ^(۸۴) «و این که مساجد از آن خداست. پس هیچ کس را شریک خدا نخوانید.»

پاسخ

مقصود از دعا در مجموع این آیات، مطلق دعا و خواستن نیست؛ بلکه دعا و ندای خاصی است که با قصد آن معنا، مرادف با معنای عبادت می شود و آن معنای الوهیت و یا ربوبیت است. به علاوه این که مجموع این آیات مربوط به بت پرستانی است که گمان می کردند بت های شان (یا آن موجوداتی که این بت ها رمز آن هاست) برخی از شئون تدبیر را مالکند. لذا برای آن ها استقلال در فعل و تصرف قائل بودند. پر واضح است که هر نوع تواضع برای کسی و درخواست از کسی غیر از خداوند با این اعتقاد عبادت او محسوب شده و شرک است. این قید به خوبی از برخی آیات دیگر استفاده می شود؛ از جمله:

الف) ﴿فَمَا أَغْنَتْ عَنْهُمْ آلِهَتُهُمُ الَّتِي يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ﴾؛ ^(۸۵) «و غیر از خدا همه خدایان باطلی را که می پرستیدند، هیچ رفع هلاکت از آنان ننمود.»

ب) ﴿وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفَاعَةَ﴾؛ ^(۸۶) «و غیر از خدای یکتا که به خدایی می خوانند، قادر بر شفاعت کسی نیستند.»

ج) ﴿وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِنْ قِطْمِيرٍ﴾؛ ^(۸۷) «و به غیر او، معبودانی را که به خدایی می خوانید در جهان مالک پوست هسته خرمايي هم نیستند.»

د) ﴿فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضَّرِّ عَنْكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا﴾؛ ^(۸۸) «پس نمی توانند دفع ضرر و تغییر حالی از شما کنند.»

بنابر این، علت مذمت مشرکین از طرف خداوند این بوده که آنان معتقد به تدبیر و تصرف بتان به نحو استقلال و بدون اذن و مشیّت خداوند بوده اند.

حسن بن علی سقاف شافعی می گوید: «معنای آیه ﴿وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا﴾ این است که غیر خدا را عبادت نکنید و در کنار او این بت ها را نپرستید؛ بت هایی که ﴿اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً﴾ با آن که خداوند می فرماید: ﴿أَرْبَابٌ مُتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمِ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ﴾. همچنین معنای آیه: ﴿وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِنْ قِطْمِيرٍ * إِنْ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ * وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُونَ بِشِرْكِكُمْ﴾^(۸۹) این است: غیر از خدا کسانی که عبادت می کنید مالک هیچ چیز برای شما نیستند؛ اگر چه لفافه هسته خرما هم باشد». (۹۰)

۲ - تنها وسیله، طاعات و اعمال صالح

برخی در توجیه آیه ﴿وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ﴾ می گویند: مقصود از وسیله در این آیه، طاعات و اعمال صالح است که بنده به توسط آن به سوی خدا تقرب پیدا می کند.

پاسخ

وسيله گرچه هر چیزی است که منشأ قرب به خداوند متعال می شود، ولی می توان یکی از آن وسایل قرب را مقام و دعای پیامبر ﷺ دانست و از آنجا که حیات اولیای الهی و در رأس آنان رسول گرامی اسلام ﷺ ثابت شده لذا توسل به مقام و دعای آن بزرگواران از وسایل قرب الهی به حساب می آید.

۳ - ابراهیم و ردّ وسیله

در تفاسیر آمده است، هنگامی که حضرت ابراهیم علیه السلام قرار بود در آتش انداخته شود، جبرئیل نزد او آمده، عرض کرد: آیا به من احتیاج داری؟ ابراهیم فرمود: اما به تو هرگز! و اما به پروردگار عالمیان آری! ^(۹۱)

پاسخ

اولاً: در مورد وسیله گفته شده که انسان به کسی متوسل می شود که از خودش نزد خداوند مقرب تر باشد و در مورد جبرئیل نمی توانیم ادعا کنیم که او از حضرت ابراهیم علیه السلام برتر و مقرب تر بوده است. ثانیاً: ظاهر عبارت حضرت ابراهیم علیه السلام این است که من به تو که بخواهی با اراده و مشیت استقلالی خودت برای من کاری انجام دهی احتیاج ندارم، ولی به خدا که تمام کارهایش را با اسباب که از آن جمله جبرئیل است کار دارم. او هر چه صلاح بداند انجام می دهد و او خود به حال من آگاه تر است.

دو نوع وسیله

با مراجعه به قرآن به دست می آوریم که وسیله قرار دادن بر دو نوع است: یک نوع وسیله از جانب مخلوقین است که این نوع چون که تصرف در اراده پروردگار به حساب می آید شرک محسوب می شود و لذا انکار خدا بر بت پرستان به جهت این بوده که آنان از پیش خود وسیله هایی را بین خودشان و خداوند قرار داده بودند و خداوند هم که بر آنان مؤاخذه بدین جهت بوده نه این که اصل واسطه قرار دادن را مذمت کرده باشد. این مطلب را از برخی آیات استفاده می کنیم:

۱ - آیاتی که به صورت انکار است، امّا در مورد اسم هایی است که از ناحیه مردم و هوای نفسشان بر خداوند جعل کرده اند. خداوند سبحان می فرماید:

﴿أَتَجَادِلُونَنِي فِي أَسْمَاءِ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَأَبَاؤُكُمْ مَا نَزَّلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ﴾؛ ^(۹۲)
 «آیا با من در مورد نام هایی مجادله می کنید که خود شما و پدرانتان [به عنوان
 معبود و خدا، بر بت ها] گذارده اید؛ در حالی که خداوند هیچ حجّت و دلیلی
 درباره آن نازل نکرده است.»

در علم اصول فقه ثابت شده که چون نهی یا نفی بر طبیعت مقید وارد شود،
 آن نهی یا نفی بر قید وارد می شود نه مقید. در مورد آیه، خداوند سبحان اصل
 وسائط و وسایل را نفی نکرده است، بلکه وسائط و وسایلی را از اسماء نهی
 کرده است که مردم از جانب خود و پدرانشان اختراع نموده اند. اسم هایی که
 خداوند برای آنان حجّت و برهان قرار نداده است. پس مورد انکار آن است که
 بدون اذن و واسطه الهی است.

و نیز می فرماید: ﴿إِنَّ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَأَبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا
 مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ...﴾؛ ^(۹۳) «این ها فقط نام هایی است که شما و
 پدرانتان بر آن ها گذاشته اید [نام هایی بی محتوا و اسم هایی بی مسما]، و
 هرگز خداوند دلیل و حجّتی بر آن نازل نکرده، آنان فقط از گمان های بی
 اساس پیروی می کنند...».

۲ - آیاتی که از وسائط، تعبیر به شرک کرده؛ از آن جهت که به اراده و حکم
 و واسطه الهی نمی باشد. خداوند سبحان می فرماید: ﴿سَنُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ
 كَفَرُوا الرُّعْبَ بِمَا أَشْرَكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَأْوَاهُمُ النَّارُ وَبِئْسَ مَثْوَى
 الظَّالِمِينَ﴾؛ ^(۹۴) «به زودی در دل های کافران، به خاطر این که بدون دلیل،
 چیزهایی را برای خدا همتا قرار دادند، رعب و ترس می افکنیم، و جایگاه آن
 ها آتش است، و چه بد جایگاهی است جایگاه ستمکاران.»

۳ - طایفه سوم آیاتی است که دلالت دارند بر این که توسل به وسایل و
 شفیعان از آن جهت که به غیر سلطان و اذن خداست موجب عبادت غیر خدا به

حساب می آید. خداوند سبحان می فرماید: ﴿وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَمْ يَنْزَلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَا لَيْسَ لَهُمْ بِهِ عِلْمٌ﴾؛ ^(۹۵) «آن ها غیر از خدا چیزهایی را می پرستند که او هیچ گونه دلیلی بر آن نازل نکرده است. و چیزهایی که علم و آگاهی به آن ندارند.»

و نیز می فرماید: ﴿مَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءَ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ﴾؛ ^(۹۶) «این معبودهایی که غیر از خدا می پرستید، چیزی جز اسم هایی [بی مسمّا] که شما و پدرانتان آن ها را [خدا] نامیده اند، نیست. خداوند هیچ دلیلی بر آن نازل نکرده، حکم تنها از آن خداست.»

۴ - آیاتی که دلالت دارد بر این که گرفتن تشریح از غیر خدا اگر بدون اذن او باشد شرک در تشریح به حساب می آید.

خداوند سبحان می فرماید: ﴿أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنْ بِهِ اللَّهُ﴾؛ ^(۹۷) «آیا معبودانی دارند که بی اذن خداوند، آیینی برای آن ساخته اند؟!» و نیز می فرماید: ﴿قُلْ اللَّهُ أَذِنَ لَكُمْ أَمْ عَلَى اللَّهِ تَفْتَرُونَ﴾؛ ^(۹۸) «بگو: آیا خداوند به شما اجازه داده، یا بر خدا افترا می بندید [و از پیش خود، حلال و حرام می کنید؟!]»

پس مورد آیاتی که بر بت پرستان انکار و توبیخ می کند اصل اعتقاد به واسطه و وسیله نیست، بلکه مورد آن ها تصرفاتی است که در مورد وسائط از خود جعل کرده و اختراع نموده اند، بدون آن که خداوند به آنان اذن داده باشد. شارح و مفسر آیات انکار و توبیخ مشرکین، همین چهار دسته آیاتی بود که بیان شد.

و به تعبیر دیگر: حقیقت عبادت، امتثال اوامر الهی و تسلیم در برابر اراده حق است، نه شکل و صورت ظاهری آن. و با این بیان جواب یک سؤال نیز داده می شود و آن این که چه فرقی است در توجّه به سنگ های کعبه و توجّه به بت ها؟ در جواب می گوییم: فرق در همین جا روشن می شود، نه در وجود واسطه یا نبود آن؛ زیرا در هر دو مورد واسطه موجود است، آری فرق در وجود امر الهی و نبود آن است که چون در مورد سنگ های کعبه امر خدا هست، لذا عبادت به حساب آمده ولی چون در مورد بت ها امر نیست بلکه نهی است، شرک و عصیان به حساب می آید. و بازگشت عبادت خداوند نیز به خضوع و تسلیم در برابر دستورات او است؛ یعنی از آن جهت که انسان در برابر دستورات خداوند خضوع و تسلیم دارد، عمل او عبادت به حساب می آید.

اشاره به توسل در شعائر دینی

در قرآن و روایات به مجموعه ای از شعائر دینی اشاره شده که با دقت و تأمل در آن ها پی به وجود روح توسل خواهیم برد. اینک به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

۱ - خداوند متعال می فرماید: ﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ * فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا﴾؛ (۹۹)

«نخستین خانه ای که برای مردم [و نیایش با خداوند] قرار داده شد، همان است که در سرزمین مکه است، که پربرکت و مایه هدایت جهانیان می باشد. در آن، نشانه های روشن [از جمله] مقام ابراهیم است، و هر کس داخل آن [خانه خدا] شود، در امان خواهد بود...».

در این آیه به دو مطلب اشاره شده است: یکی این که بیت الله الحرام اولین خانه ای است که خداوند برای عبادت و حج آفریده است. و دیگر این که: در

این خانه آیات روشنی همچون مقام ابراهیم است که هر کس در آن وارد شود در امان خواهد بود. پس حجّی که عبارت است از میهمانی خدا و توجّه به سوی حضرت حق سبحانه و تعالی مقرون به نشانه های انبیا و اولیا است، تا دلیل و گواه بر این نکته باشد که توجّه و سیر به سوی خداوند با توجّه به اولیا و انبیا و توسل به آنان برای رسیدن به خدا انجام پذیر خواهد بود.

۲ - خداوند سبحان می فرماید: ﴿وَاتَّخِذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى﴾؛ ^(۱۰۰) «و

[برای تجدید خاطره] از مقام ابراهیم، عبادتگاهی برای خود انتخاب کنید.»

اگر «مقام ابراهیم» چنان عظمتی دارد که جا دارد انسان در آن مقام، نماز به جای آورد، این مقام و مرتبه به جهت خود حضرت ابراهیم علیه السلام است. کسی که در آن مقام نماز می گزارد در حقیقت به ذات پاک ابراهیم علیه السلام متوسّل شده تا بتواند از این طریق قرب بیشتری به خداوند پیدا کند.

۳ - خداوند متعال می فرماید: ﴿إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ

الْبَيْتِ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا﴾؛ ^(۱۰۱) «صفا و مروه از شعائر [و

نشانه های] خداست، بنابراین این کسانی که حجّ خانه خدا و عمره انجام می دهند، مانعی نیست که بر آن دو طواف کنند [و سعی صفا و مروه انجام دهند].» و هرگز اعمال بی رویه مشرکان، که بت هایی بر این دو کوه نصب کرده بودند، از موقعیت این دو مکان مقدس نمی کاهد. در سبب نام گذاری این دو کوه به صفا و مروه گفته اند که چون حضرت آدم علیه السلام بر کوه صفا قرار گرفت آن را صفا نامیده اند که برگرفته از لقب آدم صفی الله است. و چون حضرت حواء بر کوه مروه فرود آمد آن را مروه نامیده اند که مشتق از مرأه؛ یعنی زن است.

انسان در سعی بین این دو کوه که یک عمل عبادی و واجب در ایام حج است، به یاد هاجر و فداکاری او برای تحصیل آب برای فرزندش اسماعیل می

افتد. پس در این مورد عمل واجب عبادی از راه توجّه به اولیای الهی انجام گرفته است.

۴ - در آیاتی از قرآن کریم به شخص پیامبر ﷺ قسم یاد شده، با این که سوگند به شخص در حقیقت واسطه قرار دادن و توسل به اوست و او را منشأ توفیق قرار دادن است. اینک به برخی از آیات در این باره اشاره می‌کنیم:

خداوند می‌فرماید: ﴿لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ﴾؛ ^(۱۰۲) «به جان تو سوگند، این‌ها در مستی خود سرگردانند.»

و نیز می‌فرماید: ﴿لَا أُفْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ * وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ﴾ ^(۱۰۳) «قسم به این شهر مقدس [مکه] شهری که تو در آن ساکنی.»

می‌دانیم که کلمه «لا» در آیه اول زائد است و قسم خوردن به شهر مدینه به اعتبار وجود رسول خدا ﷺ در آن، دلالت بر تعظیم مقام حضرت دارد.

۵ - از برخی آیات استفاده می‌شود که استغفار پیامبر ﷺ بر گنهکاران، وسیله خوبی برای تقرّب آنان به خداوند است. خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا﴾؛ ^(۱۰۴) «و اگر این مخالفان، هنگامی که به خود ستم کردند [و فرمانهای خدا را زیر پا گذاشتند] به نزد تو می‌آمدند و از خدا آمرزش میطلبیدند، پیامبر هم برای آنان استغفار می‌کرد، خدا را توبه‌پذیر و مهربان می‌یافتند.»

و نیز می‌فرماید: ﴿فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ﴾؛ ^(۱۰۵) «پس آن‌ها را ببخش و برای آنان آمرزش بطلب، و در کارها با آنان مشورت کن.»

و نیز می‌فرماید: ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّا رُؤُسَهُمْ وَرَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ﴾؛ ^(۱۰۶) «هنگامی که به آن‌ها گفته می‌شود:

بیاید تا رسول خدا برای شما استغفار کند، سرهای خود را [از روی تمسخر و

کبر و غرور] تکان می دهند و آنان را می بینی که از سخنان تو اعراض کرده و تکبر می ورزند.»

و در مورد برادران حضرت یوسف عَلَيْهِ السَّلَامُ آمده است که به پدرانشان گفتند: ﴿يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ﴾؛ ^(۱۰۷) «گفتند: ای پدر ما! از خدا آمرزش گناهان ما را بخواه که ما خطاکار بودیم.»

و نیز در مورد ملائکه می خوانیم: ﴿الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا﴾؛ ^(۱۰۸) «فرشتگانی که حاملان عرشند و آن ها که گرداگرد آن [طواف می کنند] تسبیح و حمد پروردگارشان را می گویند و به او ایمان دارند و برای مؤمنان استغفار می کنند.»

۶ - در برخی از آیات نیز اشاره به توسل به آثار اولیای الهی شده است.

در مورد حضرت یوسف عَلَيْهِ السَّلَامُ در قرآن آمده که حضرت به برادرانش فرمود: ﴿ادْهَبُوا بِقَمِيصِي هَذَا فَاَلْقُوهُ عَلَىٰ وَجْهِ أَبِي يَأْتِ بَصِيرًا﴾؛ ^(۱۰۹) «این پیراهن مرا ببرید و بر صورت پدرم بیندازید بینا می شود.»

و نیز درباره توسل به تابوت و آنچه در آن بوده، قرآن کریم می فرماید: ﴿إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّنْ رَبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَآلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ﴾؛ ^(۱۱۰) «نشانه حکومت او، این است که " صندوق عهد " به سوی شما خواهد آمد. [همان صندوقی که] در آن، آرامشی از پروردگار شما و یادگارهای خاندان موسی و هارون قرار دارد؛ در حالی که فرشتگان، آن را حمل می کنند.»

۷ - به طور کلی تمام ادله ای که دلالت بر تبرک جستن اشخاص به آثار و وسایل وابسته به انبیا و اولیای الهی دارد، همگی از باب توسل به آن بزرگواران به حساب می آید. اینک به نمونه هایی از روایات اشاره می کنیم:

بخاری به سندش از جعید بن عبدالرحمن نقل کرده که گفت: از سائب بن یزید شنیدم که گفت: «ذهبت بی خالتی إلى رسول الله ﷺ فقالت: يا رسول الله! أن ابن أختي وجع. فمسح رأسي ودعا لي بالبركة وتوضأ وشربت من وضوئه»؛^(۱۱۱) «خاله ام مرا نزد رسول خدا ﷺ برد و عرض کرد: ای رسول خدا! فرزند خواهرم مریض است. حضرت سر مرا مسح کرد و برایم دعا به برکت نمود. آن گاه وضو گرفت و من از آب وضوی او نوشیدم.»

بخاری هم چنین به سندش از عون بن ابی جحیفه از پدرش نقل کرده که گفت: بلال را دیدم که آب وضوی رسول خدا ﷺ را گرفته است و مردم را مشاهده کردم که به سوی آن وضو هجوم آوردند، هر کس که مقداری از آن آب وضو را به دست می آورد بر خود می مالید، و کسی که به آن دسترسی پیدا نمی کرد، از رطوبت دست رقیقش استفاده می کرد.

خلقت از طریق وسائط

با مراجعه به قرآن کریم پی می بریم که خلقت الهی نیز از طریق وسائط و وسایل بوده است. اینک به برخی از آیات اشاره می کنیم:

۱ - گرفتن جان

در قرآن کریم گرفتن جان انسان به ملائکه و فرستادگان الهی نسبت داده شده است. آنجا که می فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ﴾؛^(۱۱۲) «کسانی که فرشتگان [قبض ارواح] روح آن ها را گرفتند؛ در حالی که به خویشان ستم کرده بودند.»

و نیز می فرماید: ﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفْقَرُونَ﴾؛^(۱۱۳) «تا زمانی که یکی از شما را مرگ فرا رسد [در این موقع]

فرشتگان ما جان او را می گیرند و آن ها [در نگاهداری حساب عمر و اعمال
بندگان] کوتاهی نمی کنند. «

در جای دیگر می فرماید: ﴿الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ﴾؛ ^(۱۱۴) «همانان
که فرشتگان [مرگ] روحشان را می گیرند؛ در حالی که پاک و پاکیزه اند. «
و نیز می فرماید: ﴿فُلْ يَتَوَفَّاكُم مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ﴾؛ ^(۱۱۵) «بگو:
فرشته مرگ که بر شما مأمور شده [روح] شما را می گیرد. «

این در حالی است که خداوند، گرفتن جان مردم را به خودش نسبت داده
است آنجا که می فرماید: ﴿اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا...﴾؛ ^(۱۱۶) «خداوند
ارواح را به هنگام مرگ، قبض می کند...» .

با جمع بین آیات به این نتیجه می رسیم که گرفتن جان انسان ها کار خداوند
است ولی این کار گاهی به توسط ملائکه یا ملک الموت انجام می گیرد.

۲ - واسطه در روزی رساندن

در برخی از آیات نیز به واسطه در روزی رساندن خداوند به خلق اشاره
کرده است.

الف) آنجا که می فرماید: ﴿الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ
مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ﴾؛ ^(۱۱۷) «آن کس که زمین را
بستر شما، و آسمان [جو زمین] را همچون سقفی بالای سر شما قرار داد و از
آسمان آبی فرو فرستاد، و به وسیله آن، میوه ها را پرورش داد تا روزی شما
باشد. «

ب) ﴿وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ﴾؛ ^(۱۱۸) «او
کسی است که از آسمان، آبی نازل کرد و به وسیله آن، گیاهان گوناگون
رویاندیم. «

ج) ﴿وَاللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ﴾؛ ^(۱۱۹) «خداوند از آسمان آبی فرستاد، و زمین را پس از آن که مرده بود، حیات بخشید. در این، نشانه روشنی است برای جمعیتی که گوش شنوا دارند.»

د) ﴿وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ﴾؛ ^(۱۲۰) «و هر چیز زنده ای را از آب قرار دادیم، آیا ایمان نمی آورند؟!». .

ه) ﴿وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا﴾؛ ^(۱۲۱) «و خداوند کسی است که بادهای را فرستاد تا ابرها را به حرکت درآورند. «

فهرست منشورات مسجد مقدّس جمکران

- ۱ قرآن کریم / چهار رنگ - گلاسه رحلی خط نیریزی / الهی قمشه ای
۲ قرآن کریم / (وزیری، جیبی، نیم جیبی) خط نیریزی / الهی قمشه ای
۳ قرآن کریم / نیم جیبی (کیفی) خط عثمان طه / الهی قمشه ای
۴ قرآن کریم / وزیری (ترجمه زیر، ترجمه مقابل) خط عثمان طه / الهی
قمشه ای
۵ قرآن کریم / وزیری (بدون ترجمه) خط عثمان طه
۶ صحیفه سجاده ویرایش حسین وزیری / الهی قمشه ای
۷ کلیات مفاتیح الجنان / عربی انتشارات مسجد مقدّس جمکران
۸ کلیات مفاتیح الجنان / (وزیری، جیبی، نیم جیبی) خط افشاری / الهی
قمشه ای
۹ منتخب مفاتیح الجنان / (جیبی، نیم جیبی) خط افشاری / الهی قمشه ای
۱۰ منتخب مفاتیح الجنان / جیبی، نیم جیبی) خط خاتمی / الهی قمشه ای
۱۱ ارتباط با خدا واحد تحقیقات
۱۲ آشنایی با چهارده معصوم^(۲۱) / شعر و رنگ آمیزی سیّد حمید رضا
موسوی
۱۳ آئینه اسرار حسین کریمی قمی
۱۴ آخرین پناه محمود ترحمی
۱۵ آخرین خورشید پیدا واحد تحقیقات
۱۶ آقا شیخ مرتضی زاهد محمد حسن سیف الهی
۱۷ آیین انتظار (مختصر مکیال المکارم) واحد پژوهش
۱۸ از زلال ولایت واحد تحقیقات

- ۱۹ اسلام شناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی
- ۲۰ امامت، غیبت، ظهور واحد پژوهش
- ۲۱ امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام علم الهدی / واحد تحقیقات
- ۲۲ امام رضا علیه السلام در رزمگاه ادیان سهراب علوی
- ۲۳ امام شناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی
- ۲۴ انتظار بهار و باران واحد تحقیقات
- ۲۵ انتظار و انسان معاصر عزیز الله حیدری
- ۲۶ اهمیت اذان و اقامه محمد محمدی اشتهاردی
- ۲۷ با اولین امام در آخرین پیام حسین ایرانی
- ۲۸ بامداد بشریت محمد جواد مروّجی طبسی
- ۲۹ بهتر از بهار / کودک شمسی (فاطمه) وفائی
- ۳۰ پرچمدار نینوا محمد محمدی اشتهاردی
- ۳۱ پرچم هدایت محمد رضا اکبری
- ۳۲ تاریخ امیر المؤمنین علیه السلام / دو جلد شیخ عباس صفایی حائری
- ۳۳ تاریخ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم / دو جلد شیخ عباس صفایی حائری
- ۳۴ تاریخچه مسجد مقدس جمکران / (فارسی، عربی، اردو، انگلیسی) واحد تحقیقات
- ۳۵ تاریخ سید الشهداء علیه السلام شیخ عباس صفایی حائری
- ۳۶ تجلیگاه صاحب الزمان علیه السلام سید جعفر میرعظیمی
- ۳۷ جلوه های پنهانی امام عصر علیه السلام حسین علی پور
- ۳۸ چهارده گفتار ارتباط معنوی با حضرت مهدی علیه السلام حسین گنجی

۳۹ چهل حدیث / امام مهدی علیه السلام در کلام امام علی علیه السلام سید صادق

سیدنژاد

۴۰ حضرت مهدی علیه السلام فروغ تابان ولایت محمد محمدی اشتهاردی

۴۱ حکمت های جاوید محمد حسین فهیم نیا

۴۲ ختم سوره های یس و واقعه واحد پژوهش

۴۳ خزائن الاشعار (مجموعه اشعار) عباس حسینی جوهری

۴۴ خورشید غایب (مختصر نجم الثاقب) رضا استادی

۴۵ خوشه های طلایی (مجموعه اشعار) محمد علی مجاهدی (پروانه)

۴۶ دار السلام شیخ محمود عراقی میثمی

۴۷ داستان هایی از امام زمان علیه السلام حسن ارشاد

۴۸ داغ شقایق (مجموعه اشعار) علی مهدوی

۴۹ در جستجوی نور صافی، سبحانی، کورانی

۵۰ در کربلا چه گذشت؟ (ترجمه نفس المهموم) شیخ عباس قمی / کمره ای

۵۱ دلشده در حسرت دیدار دوست زهرا قزلقاشی

۵۲ دین و آزادی محمد حسین فهیم نیا

۵۳ رجعت احمد علی طاهری ورسی

۵۴ رسول ترک محمد حسن سیف اللهی

۵۵ روزنه هایی از عالم غیب سید محسن خرازی

۵۶ زیارت ناحیه مقدسه واحد تحقیقات

۵۷ سحاب رحمت عباس اسماعیلی یزدی

۵۸ سرود سرخ انار الهه بهشتی

۵۹ سقا خود تشنه دیدار ظهورا حیدری

- ۶۰ سلفی گری (وهابیت) و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی
- ۶۱ سیاحت غرب آقا نجفی قوچانی
- ۶۲ سیمای امام مهدی علیه السلام در شعر عربی دکتر عبد اللهی
- ۶۳ سیمای مهدی موعود علیه السلام در آئینه شعر فارسی محمد علی مجاهدی
(پروانه)
- ۶۴ شرح زیارت جامعه کبیره (ترجمه الشموس الطالعه) محمد حسین نائیجی
- ۶۵ شمس وراء السحاب / عربی السید جمال محمد صالح
- ۶۶ ظهور حضرت مهدی علیه السلام سید اسد الله هاشمی شهیدی
- ۶۷ عاشورا تجلی دوستی و دشمنی سید خلیل حسینی
- ۶۸ عریضه نویسی سید صادق سیدنژاد
- ۶۹ عطر سیب حامد حجّتی
- ۷۰ عقد الدرر فی أخبار المنتظر علیه السلام / عربی المقدس الشافعی
- ۷۱ علی علیه السلام مروارید ولایت واحد تحقیقات
- ۷۲ علی علیه السلام و پایان تاریخ سید مجید فلسفیان
- ۷۳ غدیرشناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی
- ۷۴ غدیرخم (روسی، آذری لاتین) علی اصغر رضوانی
- ۷۵ فتنه و هابیت علی اصغر رضوانی
- ۷۶ فدک ذوالفقار فاطمه علیها السلام سید محمد واحدی
- ۷۷ فروغ تابان ولایت علی اصغر رضوانی
- ۷۸ فرهنگ اخلاق عباس اسماعیلی یزدی
- ۷۹ فرهنگ تربیت عباس اسماعیلی یزدی
- ۸۰ فرهنگ درمان طبیعی بیماری ها (پخش) حسن صدری

- ۸۱ فوز اکبر محمد باقر فقیه ایمانی
- ۸۲ کرامات المهدی علیه السلام واحد تحقیقات
- ۸۳ کرامت های حضرت مهدی علیه السلام واحد تحقیقات
- ۸۴ کمال الدین و تمام النعمة (دو جلد) شیخ صدوق رحمته الله / منصور پهلوان
- ۸۵ کهکشان راه نیلی (مجموعه اشعار) حسن بیاتانی
- ۸۶ گردی از رهگذر دوست (مجموعه اشعار) علی اصغر یونسیان (ملتجی)
- ۸۷ گفتمان مهدویت آیت الله صافی گلپایگانی
- ۸۸ گنجینه نور و برکت، ختم صلوات مرحوم حسینی اردکانی
- ۸۹ مشکاة الانوار علامه مجلسی رحمته الله
- ۹۰ مفرد مذكر غائب علی مؤذنی
- ۹۱ مکیال المکارم (دو جلد) موسوی اصفهانی / حائری قزوینی
- ۹۲ منازل الآخرة، زندگی پس از مرگ شیخ عباس قمی رحمته الله
- ۹۳ منجی موعود از منظر نهج البلاغه حسین ایرانی
- ۹۴ منشور نینوا مجید حیدری فر
- ۹۵ موعودشناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی
- ۹۶ مهدی علیه السلام تجسم امید و نجات عزیز الله حیدری
- ۹۷ مهدی منتظر علیه السلام در اندیشه اسلامی العمیدی / محبوب القلوب
- ۹۸ مهدی موعود علیه السلام، ترجمه جلد ۱۳ بحار - دو جلد علامه مجلسی
- رحمته الله / ارومیه ای
- ۹۹ مهر بیکران محمد حسن شاه آبادی
- ۱۰۰ مهربان تر از مادر / نوجوان حسن محمودی
- ۱۰۱ میثاق منتظران (شرح زیارت آل یس) سید مهدی حائری قزوینی

۱۰۲ ناپیدا ولی با ما / (فارسی، ترکی استانبولی، انگلیسی، بنگالا) واحد

تحقیقات

۱۰۳ نجم الثاقب میرزا حسین نوری رحمته الله

۱۰۴ نجم الثاقب (دوجلدی) میرزا حسین نوری رحمته الله

۱۰۵ نشانه های ظهور او محمد خادمی شیرازی

۱۰۶ نشانه های یار و چکامه انتظار مهدی علیزاده

۱۰۷ ندای ولایت بنیاد غدیر

۱۰۸ نماز شب واحد پژوهش مسجد مقدّس جمکران

۱۰۹ نهج البلاغه / (وزیری، جیبی) سید رضی رحمته الله / محمد دشتی

۱۱۰ نهج الکرامه گفته ها و نوشته های امام حسین علیه السلام محمد رضا اکبری

۱۱۱ و آن که دیرتر آمد الهه بهشتی

۱۱۲ واقعه عاشورا و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۱۱۳ وظایف منتظران واحد تحقیقات

۱۱۴ ویژگی های حضرت زینب علیها السلام سید نور الدین جزائری

۱۱۵ هدیه احمدیه / (جیبی، نیم جیبی) میرزا احمد آشتیانی رحمته الله

۱۱۶ همراه با مهدی منتظر مهدی فتلاوی/بیژن کرمی

۱۱۷ یاد مهدی علیه السلام محمد خادمی شیرازی

۱۱۸ یار غائب از نظر (مجموعه اشعار) محمد حجّتی

۱۱۹ ینابیع الحکمة / عربی - پنج جلد عباس اسماعیلی یزدی

جهت تهیه و خرید کتاب های فوق، می توانید با نشانی:

قم - صندوق پستی ۶۱۷، انتشارات مسجد مقدّس جمکران مکاتبه و یا با

شماره تلفن های ۰۲۵۱ - ۷۲۵۳۳۴۰، ۷۲۵۳۷۰۰ تماس حاصل نمایید.

کتاب های درخواستی بدون هزینه پستی برای شما ارسال می گردد.

سایر نمایندگی های فروش:

تهران: ۰۲۱ - ۶۶۹۲۸۶۸۷، ۶۶۹۳۹۰۸۳

یزد: ۰۳۵۱ - ۶۲۸۰۶۷۱-۲، ۶۲۴۶۴۸۹

فریدون کار: ۱۴ - ۵۶۶۴۲۱۲ - ۰۱۲۲

سلسله کتاب های پیرامون وهابیت

۱ - شناخت سلفی ها (وهابیان)

۲ - ابن تیمیه، مؤسس افکار وهابیت

۳ - خدا از دیدگاه وهابیان

۴ - مبانی اعتقادی وهابیت

۵ - موارد شرک نزد وهابیان

۶ - توسل

۷ - زیارت قبور

۸ - برپایی مراسم جشن و عزا

پی نوشت ها

- ۱) ترتیب العین، ماده «وسل».
- ۲) لسان العرب، ماده «وسل».
- ۳) ر.ک: تفسیر روح المعانی، آلوسی، ج ۶، ص ۱۲۴ - ۱۲۸.
- ۴) مجموع فتاوی و مقالات متنوعه، شیخ بن باز، ج ۴، ص ۳۱۱.
- ۵) المنتقی من فتاوی الشیخ بن فوزان، ج ۲، ص ۵۴.
- ۶) البدع و المحدثات و ما لا اصل له، ص ۲۶۵ و ۲۶۶.
- ۷) فتاوی الالبانی، ص ۴۳۲.
- ۸) سوره سجده، آیه ۷.
- ۹) سوره نساء، آیه ۶۴.
- ۱۰) مجموعه آثار، ج ۱، ص ۲۶۴.
- ۱۱) سوره مائده، آیه ۳۵.
- ۱۲) سوره بقره، آیه ۱۴۴.
- ۱۳) سوره بقره، آیه ۱۸۹.
- ۱۴) سوره بقره، آیه ۳۴.
- ۱۵) سوره یونس، آیه ۸۷.
- ۱۶) سوره یوسف، آیه ۴.
- ۱۷) سوره یوسف، آیات ۹۹ و ۱۰۰.
- ۱۸) سوره یوسف، آیه ۱۱۱.
- ۱۹) سوره مائده، آیه ۳۵.
- ۲۰) سوره نساء، آیه ۶۴.
- ۲۱) سوره آل عمران، آیه ۴۵.
- ۲۲) سوره احزاب، آیه ۶۹.
- ۲۳) سنن ترمذی، کتاب الدعوات، باب ۱۱۸.
- ۲۴) سنن ترمذی، کتاب الدعوات، باب ۱۱۹، ح ۳۵۷۸؛ سنن ابن ماجه، کتاب اقامه الصلاة، باب ۱۸۹، ح ۱۳۸۵.
- ۲۵) سوره رحمن، آیه ۲۶ و ۲۷.

- (۲۶) صحيح بخارى، ج ۸، ص ۷۲، كتاب التعبير.
- (۲۷) سورة يوسف، آيات ۹۷ و ۹۸.
- (۲۸) سورة اعراف، آيه ۱۳۴.
- (۲۹) سورة نساء، آيه ۶۴.
- (۳۰) سورة اعراف، آيه ۸۰.
- (۳۱) صحيح ترمذى، ج ۵، ص ۵۱۵، ح ۳۴۷۵.
- (۳۲) مجموع فتاوى و مقالات متنوعه، ج ۴، ص ۳۱۱.
- (۳۳) روح المعانى، ج ۶، ص ۱۲۴.
- (۳۴) سورة بقره، آيه ۱۲۷.
- (۳۵) سورة بقره، آيه ۱۲۸.
- (۳۶) سنن ترمذى، حديث ۳۴۷۵؛ مجموع فتاوى و مقالات متنوعه، ج ۴، ص ۳۱۱.
- (۳۷) من اسرار القرآن، مصطفى محمود، ص ۷۶ و ۷۷.
- (۳۸) مسند احمد، ج ۴، ص ۴۴۵.
- (۳۹) البدع و المحدثات و ما لا اصل له، ص ۲۶۵ و ۲۶۶؛ صحيح بخارى، ح ۷۴۴۰؛ صحيح مسلم، ح ۱۹۳.
- (۴۰) صحيح بخارى، ج ۱، ص ۵۵؛ مسند احمد، ج ۴، ص ۳۲۹.
- (۴۱) سورة يوسف، آيات ۹۷ و ۹۸.
- (۴۲) سورة منافقون، آيه ۵.
- (۴۳) مستدرک حاکم، ج ۲، ص ۶۱۵.
- (۴۴) مجموعة الرسائل و المسائل، ج ۱، ص ۱۳.
- (۴۵) التوصل إلى حقيقة التوسل، ص ۳۱۰ به نقل از جامع الاصول.
- (۴۶) سورة نساء، آيه ۶۰.
- (۴۷) سورة يونس، آيه ۱۸.
- (۴۸) البدع و المحدثات و ما لا اصل له، ص ۲۶۵ و ۲۶۶.
- (۴۹) المستدرک على الصحيحين، ج ۳، ص ۱۰۸.
- (۵۰) الاصابة، ج ۴، ص ۳۸۲.
- (۵۱) حلية الاولياء، ج ۳، ص ۱۲۱.
- (۵۲) سير اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱۸، رقم ۷.

- (٥٣) مجمع الزوائد، ج ٩، ص ٢٥٦.
- (٥٤) كنز العمال، ج ١٣، ص ٦٣٦، ح ٣٧٦٠٨.
- (٥٥) سنن دارمي، ج ١، ص ٤٣.
- (٥٦) التوسل انواعه و احكامه، ص ١٢٨.
- (٥٧) تهذيب التهذيب، ج ٤، ص ٢٩.
- (٥٨) ميزان الاعتدال، ج ٤، ص ٨.
- (٥٩) المواهب اللدنيّة، قسطلاني، ج ٤، ص ٥٨٤.
- (٦٠) ابن تيميه، قاعدة جليّة، ص ٩٤.
- (٦١) وفاء الوفاء، ج ٤، ص ١٣٧٢.
- (٦٢) سورة احزاب، آيه ٦٩.
- (٦٣) البدعة في مفهومها الاسلامي، ص ٤٥.
- (٦٤) المواهب اللدنيّة، ج ٤، ص ٥٩٣.
- (٦٥) المدخل، ج ١، ص ٢٥٤.
- (٦٦) حاشية الايضاح على المناسك، ص ٤٥٠ و ٤٩٨؛ شرح المهذب (المجموع)، ج ٨، ص ٢٧٤؛ شرح الاذكار، باب اذكار الحج، ص ٣٠٧.
- (٦٧) مقدمه ارغام المبتدع الغيبيّ بجواز التوسل بالنبيّ، غماري.
- (٦٨) صواعق المحرقة، ص ١٨.
- (٦٩) الدرر السنية، زيني دحلان، ص ٣١.
- (٧٠) الغدير، ج ٣، ص ٤٠٣.
- (٧١) زيارة القبور، ص ٢٤ و ٢٥.
- (٧٢) سورة نساء، آيه ٦٤.
- (٧٣) ر. ك: بحث «حيات برزخي».
- (٧٤) الدرر السنيه، زيني دحلان، ص ١٨.
- (٧٥) الروض الفائق، ص ٣٨٠؛ وفاء الوفا، ج ٤، ص ١٣٩٩؛ المواهب اللدنيّة، ج ٤، ص ٥٨٣؛ صالح الاخوان، ص ٥٤٠؛ مشارق الأنوار، ج ١، ص ١٢١.
- (٧٦) مستدرک حاکم، ج ٤، ص ٥٦٠، ح ٨٥٧١؛ شفاء السقام، ص ١٥٢؛ وفاء الوفا، ج ٤، ص ١٣٥٣ و ١٤٠٤؛ مجمع الزوائد، ج ٤، ص ٢.
- (٧٧) وفاء الوفا، ج ١، ص ٣٨٥.

- ٧٨ صحیح بخاری، ج ٨، ص ١٥٤.
- ٧٩ الأدب المفرد، ص ١٤٤؛ الطبقات الكبرى، ج ٤، ص ٣٩.
- ٨٠ الغدير، ج ٥، ص ١٤٤.
- ٨١ سورة نساء، آیه ٦٤.
- ٨٢ الغدير، ج ٥، ص ١٤٤.
- ٨٣ سورة اعراف، آیه ١٨٠.
- ٨٤ سورة جن، آیه ١٨.
- ٨٥ سورة هود، آیه ١٠١.
- ٨٦ سورة زخرف، آیه ٨٦.
- ٨٧ سورة فاطر، آیه ١٣.
- ٨٨ سورة اسراء، آیه ٥٦.
- ٨٩ سورة فاطر، آیه ١٣ و ١٤.
- ٩٠ الاغانة بادللة الاستغاثة، ص ٣١ و ٣٢.
- ٩١ تفسير قمی، ج ٢، ص ٧٣.
- ٩٢ سورة اعراف، آیه ٧١.
- ٩٣ سورة نجم، آیه ٢٣.
- ٩٤ سورة آل عمران، آیه ١٥١.
- ٩٥ سورة حج، آیه ٧١.
- ٩٦ سورة يوسف، آیه ٤٠.
- ٩٧ سورة شوری، آیه ٢١.
- ٩٨ سورة یونس، آیه ٥٩.
- ٩٩ سورة آل عمران، آیات ٩٦ و ٩٧.
- ١٠٠ سورة بقره، آیه ١٢٥.
- ١٠١ سورة بقره، آیه ١٥٨.
- ١٠٢ سورة حجر، آیه ٧٢.
- ١٠٣ سورة بلد، آیات ١ و ٢.
- ١٠٤ سورة نساء، آیه ٦٤.
- ١٠٥ سورة آل عمران، آیه ١٥٩.

- ۱۰۶) سوره منافقون، آیه ۵.
۱۰۷) سوره یوسف، آیه ۹۷.
۱۰۸) سوره غافر، آیه ۷.
۱۰۹) سوره یوسف، آیه ۹۳.
۱۱۰) سوره بقره، آیه ۲۴۸.
۱۱۱) صحیح بخاری، کتاب المناقب، باب صفة النبی، ص ۶۳۲.
۱۱۲) سوره نساء، آیه ۹۷.
۱۱۳) سوره انعام، آیه ۶۱.
۱۱۴) سوره نحل، آیه ۳۲.
۱۱۵) سوره سجده، آیه ۱۱.
۱۱۶) سوره زمر، آیه ۴۲.
۱۱۷) سوره بقره، آیه ۲۲.
۱۱۸) سوره انعام، آیه ۹۹.
۱۱۹) سوره نحل، آیه ۶۵.
۱۲۰) سوره انبیاء، آیه ۳۰.
۱۲۱) سوره فاطر، آیه ۹.